

طبیعت با بهار طراوت می یابد و معنویت با بهار رمضان اوج می گیرد. بهار طبیعت با نوروز آغاز می شود و بهار معنویت با ماه رمضان. سردی طبیعت با شکوفه های بهاری و سرود بلبلان رخت بر می بندد و یخهای عصیان و نافرمانی، با زمزمه های نیمه شب رمضان و ترنم دعای رمضانیان آب می شود. در رمضان است که می توان هفت شهر عشق را پیمود و دیو نفس را بر زمین افکند و در عید فطر پیروزی فطرت بر شهوت را، جشن گرفت. اگر گردش زمین دور خورشید، آغازگر سال شمسی است و اگر تکاپوی ماه بر گرد زمین، نوید بخش سال قمری؛ حرکت سالک عاشق در رمضان المبارک در مدار توحید، طلایه دار سال معنوی است و پیروزی قلب سلیم بر شهوت بدخیم، نوروز آن.

رضای آل محمد علیهم السلام را سخنی شنیدنی است:

«إِنَّمَا جُعِلَ يَوْمُ الْفِطْرِ الْعِيدَ لِيَكُونَ لِلْمُسْلِمِينَ مُجْتَمَعًا يَجْتَمِعُونَ فِيهِ وَ يُبْرِزُونَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَمَجِّدُونَهُ عَلَى مَا مَنَّ عَلَيْهِمْ فَيَكُونُ يَوْمَ عِيدٍ وَ يَوْمَ اجْتِمَاعٍ وَ يَوْمَ فِطْرٍ وَ يَوْمَ زَكَاةٍ وَ يَوْمَ رَغْبَةٍ وَ يَوْمَ تَضَرَّعٍ. وَ لِأَنَّهُ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنَ السَّنَةِ يَجِلُّ فِيهِ الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ لِأَنَّ أَوَّلَ شَهْرِ السَّنَةِ عِنْدَ أَهْلِ الْحَقِّ شَهْرُ رَمَضَانَ فَأَحَبُّ إِلَهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَجْمَعٌ يَحْمَدُونَهُ فِيهِ وَ يُقَدِّسُونَهُ؛ (1) همانا روز فطر، عید قرار داده شده تا برای مسلمانان روز اجتماعی باشد که در آن روز گرد هم آیند و [عشق و محبت خود] به خداوند را ابراز کنند و به خاطر متنی که بر آنان نهاده است، او را ستایش کنند، پس روز عید و روز گردهم آیی و روز افطار، روز زکات، روز گرایش به یکدیگر و روز تضرع [به پیشگاه حق تعالی] است، [و نیز روز فطر، روز عید قرار داده شده] به دلیل آنکه روز فطر اولین روز سال است که خوردن و آشامیدن در آن جایز شمرده شده است، چرا که نزد اهل حق اولین ماه سال، ماه رمضان است و خداوند دوست دارد در روز عید فطر، مسلمانان اجتماع کنند و با یکدیگر به ستایش و تقدیس او بپردازند.»

در صبحدم این عید آسمانی است که هاتفی ملکوتی، پیروزمندان میدان جهاد اکبر را به دریافت پاداششان فرا می خواند، پاداشی فراتر از پاداشهای خاکی و غیرقابل مقایسه با هدایای پادشاهان زمینی.

امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کردند: «إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَى مُنَادٍ: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ أَعْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ. ثُمَّ يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ كَجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ. ثُمَّ قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ؛ (2) هنگامی که روز اول ماه شوال فرا می رسد، منادی ندا می دهد: هان ای مؤمنان! برای دریافت جوایزتان صبح زود بشتابید. ای جابر، جوایز خداوند همانند جوایز پادشاهان نیست. سپس فرمود: روز اول شوال، روز جوایز است.»

فاتحان و مدال آوران جهاد اکبر را شایسته نیست که از پس این پیروزی بزرگ، در گرداب معصیت و نافرمانی در غلظند و دیگر بار اسیر نفس فرومایه شوند و عزت خدایی را با ذلت شیطانی معاوضه کنند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه های عید فطر، مردم را به دوری از معصیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، و... دعوت می فرماید.

امام علی علیه السلام در عید فطر خطبه خواند تا آنجا که فرمود: «أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَذْفِ الْمُحْصَنَةِ وَ إِيثَانِ الْفَاحِشَةِ وَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَ شَهَادَةِ الزُّورِ وَ الْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ؛ (3) فرمان خداوند را در خودداری از کارهایی که شما را از آن برحذر داشته است، عمل کنید [که از آن جمله است]: نسبت ناروا به زنان

عفیف، شهوترانی حرام، شراب خواری، کم فروشی، شهادت ناحق و فرار از جهاد.»
از همین رو است که پاکن و سالکان را در تعظیم این عید عظیم آدابی است و در تحکیم شعائر آن احکامی. در این مختصر به برخی از آداب این عید سعید اشاره می شود.

آداب عید فطر

1. احیاء شب عید

امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش فرمود:
«كَانَ عَلِيُّ ابْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُحْيِي لَيْلَةَ عِيدِ الْفِطْرِ بِالصَّلَاةِ حَتَّى يُصْبِحَ وَ يَبِيتُ لَيْلَةَ الْفِطْرِ فِي الْمَسْجِدِ؛ (4) امام سجاد علیه السلام ، شب عید فطر را با نماز به صبح می آورد و در مسجد به شب زنده داری می پرداخت.»

2. زیارت امام حسین علیه السلام

سید ابن طاووس در اقبال الاعمال از جمله آداب شب عید فطر را، زیارت امام حسین علیه السلام معرفی می کند.

3. غسل شب و روز عید

از جمله آداب شب و روز عید فطر، غسل است. وقت غسل شب عید، از اول مغرب تا اذان صبح است؛ گرچه انجام آن در ابتدای شب بهتر است. و وقت غسل روز عید، از اذان صبح تا غروب آفتاب است؛ گرچه بهتر است آن را پیش از نماز عید به جا آورد و اگر از ظهر تا غروب بجا آورد، احتیاط واجب آن است که به قصد رجاء انجام دهد. (5)

4. پرداخت زکات فطره

همچنان که تمام بودن نماز به صلوات بر پیامبر و آل اوست و بدون صلوات نماز ناتمام است، تمام بودن روزه نیز به پرداخت زکات فطره است.

قال ابو عبد الله عليه السلام : «إِنَّ مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءُ الزَّكَاةِ - يَعْنِي الْفِطْرَةَ - كَمَا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَمَامُ الصَّلَاةِ، لِإِنَّهُ مَنْ صَامَ وَ لَمْ يُؤَدِّ الزَّكَاةَ فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا؛ (6) امام صادق علیه السلام فرمودند: از جمله کارهایی که موجب کامل شدن روزه است، پرداخت زکات فطره است، همچنان که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، موجب کامل شدن نماز می شود. اگر کسی روزه بدارد ولی زکات فطره را از روی عمد پرداخت نکند، در واقع روزه نداشته است [و روزه اش مقبول نیست].»

زکات فطره، علاوه بر آنکه باعث تمام بودن روزه است، نقصان زکات مال را نیز جبران می کند.

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ آدَى زَكَاةَ الْفِطْرَةِ أَتَمَّ اللَّهُ بِهَا مَا نَقَصَ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ؛ (7) کسی که زکات فطره پرداخت کند، خداوند به وسیله آن، نقصان در [پرداخت] زکات مالش را جبران می کند.»

5. تکبیر خداوند

به پاس امداد الهی و یاری رساندن او در پیروزی بر دیو نفس و برخورداری از نعمت هدایت و سرمایه معنویت، باید ولی نعمت را بزرگ داشت و او را تکبیر گفت.

بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید، پس از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید و نیز پس از نماز عید فطر مستحب است چنین تکبیر بگویند: «اللّٰهُ اَكْبَرُ، اللّٰهُ اَكْبَرُ، لا اِلهَ اِلاّ اللّٰهُ واللّٰهُ اَكْبَرُ، اللّٰهُ اَكْبَرُ واللّٰهُ الحَمْدُ، اللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا.» (8)

6. کراهت روزه تا سه روز پس از عید فطر

در برخی روایات توصیه شده است که تا سه روز پس از عید فطر، از روزه گرفتن خودداری شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَا صِيَامَ بَعْدَ الْأَضْحَى ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَا بَعْدَ الْفِطْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِنَّهَا أَيَّامُ أَكْلِ وَ شُرْبٍ؛ (9) تا سه روز پس از عید قربان و عید فطر، روزه داشتن روا نیست. این روزها، روزهای خوردن و آشامیدن است.»

پی نوشت ها :

1. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج1، ص.522
2. یعقوب کلینی، کافی، ج4، ص.168
3. حر عاملی، وسائل الشیعه (آل البیت)، ج15، ص.344
4. حر عاملی، وسائل الشیعه، (آل البیت)، ج8، ص.87
5. رساله امام خمینی رحمه الله، مسئله 644
6. سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج1، ص466؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج2، ص.119
7. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج2، ص.119
8. رساله امام خمینی رحمه الله، مسئله 1526
9. حر عاملی، وسایل الشیعه، (آل البیت)، ج10، ص.519.